



مادهٔ شانزدهم اعلامیهٔ حقوق بشر میگوید: « هر زن و مرد بالنی حق دارند؛ بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد؛ ملیت، تابعیت، یا مذهب، باهمدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر، در کلیه امور مربوط بازدواج، دارای حقوق مساوی میباشند» اما اسلام...؟

عوامل دیگر قانون تعدد زوجات؟

- * عامل اقتصادی
- * نیروی حاد و سرکش جنسی
- * نازائی و بیماری
- * تکثیر نسل شایسته
- * پاسخ انتقادهای مخالفان!
- * دانشمندان منصف غرب، چگونه قضاوت میکنند

صرفنظر از جهاتی که در شماره‌های گذشته، برای تشریح تعدد زوجات در اسلام، نقل شد، علل و جهات دیگری نیز وجود دارد که بطور قاطع ضرورت تشریح این قانون را اعلام میدارند که هر گاه چنین قانونی در اسلام پیش‌بینی نمیشد، ممکن بود گفته شود اسلام دین ناقصی است.

ما برای اطلاع بیشتر خوانندگان، و خنثی کردن تبلیغات شوم بیگانگان که در این روزها قانون تعدد زوجات را مورد حمله قرار داده و درباره اسلام و مقررات آن اظهار نظرهای ناروا مینمایند، و در نتیجه عرض خود برده و زحمت ما میدارند، در این مقاله، با نجهت‌نیز اشاره

کرده ، و باین بحث خاتمه میدهم :

ضمناً از خوانندگان محترم تقاضا میکنیم یکبار دیگر مقالات گذشته را مطالعه فرمایند تا پاسخ مخالفان روشن گردد .

۱ - عامل اقتصادی

درست است که هرگاه حکومت اسلامی ، عدالت اجتماعی و مساوات را در جامعه برقرار سازد و مردم نیز بوظائف فردی و اجتماعی خود عمل کنند و قوانین اقتصادی اسلام را عملی سازند ، طبیعاً فقر مالی بحد اکثر از بین خواهد رفت .

ولی هرگاه در اثر عملی نشدن جهات فوق ، دیومهیب فقر و بیچارگی ، سایه خود را بر سرفراد جامعه گسترده و شکاف عمیقی میان مردم پدید آمد و گروهی مبتلا بقرمالی شدند ، شکی نیست که در اینگونه موارد ، آنهائیکه قدرت مالی برای اداره خانواده ندارند ، طبیعاً از اقدام بازدواج خودداری خواهند نمود و در نتیجه تعادل و توازن بین زنان و مردان آماده ازدواج بهم خواهد خورد ، و زنان بسیاری از داشتن شوهر ، محروم خواهند ماند !

چه مانعی دارد ، در اینگونه موارد ، آنهائیکه قدرت مالی و توانائی اقتصادی شان کافی است ، نمیتوانند عدالت را کاملاً رعایت کنند چند زن آماده ازدواج را که بر اثر نابسامانیهای اجتماعی ، نتوانسته اند سر و صورتی بزندگی خود بدهند تحت کفالت خود در آورده و با آنها ازدواج کنند و از کانون گرم خانواده بهره مند شان ، سازند ؟ .

آیا با اینحال میتوان گفت که قانون « تعدد زوجات » در اینگونه موارد به ضرر جامعه و طایفه زنان ، تشریح شده است ؟ !

۲ - نیروی سرکش جنسی

برخی از مردان هستند که نیروی جنسی در آنها خیلی حاد و نیرومند است بطوریکه یکزن باحالات مختلفی از قبیل : حاملگی و زایمان و دوران عادت ماهیانه که در هر ماه تقریباً ده روز در عادت بسر میبرد ، نمیتواند آنها را قانع سازد . آیا اسلام برای اینعده از مردان چه فکری کرده است ؟ .

از آنجا که اسلام هر نوع ارضاء غریزه جنسی را جز از طریق ازدواج ممنوع کرده یعنی : اعمال منافی عفت و استمناء و هم بستر شدن با زن در هنگام عادت و مشابه آنرا حرام و غیر مجاز اعلام کرده است لذا باید دید که برای اقناع و مهار کردن غریزه سرکش جنسی اینعده از مردان ، چه راهی بهتر از قانون تعدد زوجات وجود دارد ؟

هر گاه اسلام ، برای اینگونه موارد استثنائی ، قانون تعدد زوجات را پیش بینی نمی نمود ، طبعاً می بایست پیروان او نیز مانند مردم اروپا و آمریکا که قانون مزبور بحکم کلیسا در میان آنان ، تحریم شده ، بانواع مفاسد اخلاقی و انحرافات جنسی و بدبختیهای اجتماعی ، دچار گردند .

و در آن صورت ، در درجه اول این بدبختیها بمعده خود اسلام بوده که راه قانونی برای اقناع غریزه حاد جنسی این عده افراد ، پیش بینی نکرده و نشان نداده بود .

۳ - نازائی و بیماری

موارد زیادی پیش می آید که زن نازا و عقیم است و عوامل زیادی از قبیل شدت علاقه زن و شوهر نسبت بیکدیگر ، و عوامل اقتصادی و خانوادگی ، مانع از اجراء قانون طلاق می باشد . و از طرفی طبعاً هر فردی از افراد زن و مرد ، در خود احساس و علاقه شدیدی نسبت بفرزند داشته و میل دارند آثار وجودی آنان در فرزندان شان باقی بماند .

چرا در اینگونه موارد ، مرد قانوناً حق نداشته باشد : با داشتن همسر اول ، زن دیگری بگیرد تا آن زن دوم با آوردن فرزندی برای این شوهر ، محیط خانه او را گرم تر و اجاق خانوادگی را همچنان روشن نگهدارد ؟

و هم چنین گاهی اتفاق می افتد که زن مبتلا به بیماریهای غیر قابل علاج و مزمنی میشود که شوهر از هم بستردن با او ممنوع میگردد ولی نیروی جنسی همچنان در او بیدار و سرکش است . آیا در ایندو صورت (نازائی و مریض بودن زن) شوهر چه کند ؟ زن اول خود را طلاق گوید و بر اعضاء فلج و بی سرپرست جامعه بیافزاید آنگاه با گرفتن زن دیگری خواسته های طبیعی و جنسی خود را ارضاء نماید ؟ یا آنکه با داشتن همسر اول ، برای کامیابی جنسی و یا فراهم کردن فرزند از راه نامشروع و روابط باصطلاح آزاد استفاده کند ؟ و یا آنکه با ازدواج مجدد و طریق تعدد زوجات ، هم خواسته طبیعی و عمومی فرزند داشتن و کامیابی جنسی را ارضاء نماید و هم زن اول خود را از تحت کفالت خود خارج نکرده و بر اعضاء فلج و بی سرپرست جامعه نیافزاید ؟

لازم به توضیح نیست که راه سوم ، صحیحترین و عادلانه ترین راه ها است .

۴ - تکثیر نسل شایسته

از آنجا که اسلام ، آئین خود را عالیترین و ارزنده ترین مقررات زندگی و پیروان خود را شایسته ترین امتهای میدانند ، بعلاوه کثرت نفوس و زیادی جمعیت ، خود یکی از طریق تحصیل

قدرت در برابر بیگانگان است ، از اینجهت عواملیکه منجر باز زیاد مسلمین گردد ، اسلام پیروان خود را باین عوامل ترغیب و از شانه خالی کردن از آن نهی کرده است . (۱)

ولذا می بینیم که سقط جنین را تحریم کرده ، اعمال منافی عفت و استمناء و عیاشی بی بند و بار را که منجر به تضییع نیروی جنسی و تقلیل توالد و تناسل است ، غیر مجاز اعلام کرده و برای ترغیب به تکثیر جمعیت فرموده : « من فردای قیامت بزبانی پیروان خود ، حتی بچه های سقط شده ، افتخار میکنم » (۲) « ازدواج سنت من است ، هر که از زیر بار ازدواج شانه خالی کند ، از من نیست » . (۳)

و برای همین منظور بوده که اسلام ، قانون تعدد زوجات را جائز شمرده تا پیروان او بتوانند از راه بکار بستن این قانون ، بر تعداد امت شایسته که بزرگترین منبع قدرت اصلاحی است ، بیافزایند .

پاسخ انتقادهای مخالفان !

گرچه بعد از سلسله مقالاتیکه تا کنون درباره فلسفه و علل تشریح تعدد زوجات نوشته ایم ، ضرورتی ندارد که انتقادهای مخالفان نیز نقل شود ولی از آنجا که ممکن است در برابر آنهمه دلائل روشنی که برای درستی و صحت قانون تعدد زوجات نقل شده ، مغلطه کاری های مخالفان نیز در اذهان مردم عوام وسطی ، اثر سوئی از خود بجا گذارده باشد ، مناسب میدانیم مهمترین انتقادهای آنان را نقل کرده و پاسخ گوئیم :

۱ - قانون تعدد زوجات بزرگترین عامل تحقیر شخصیت زن است !

پاسخ - همانطوریکه ضمن مباحث گذشته به ثبوت رساندیم ، نه تنها تعدد زوجات بمنظور تحقیر و پائین آوردن شخصیت زن تشریح نشده بلکه مهمترین عامل نجات ملیو نهان زن بی سروسامان

۱ - ممکن است کسانی ایراد کنند که در شرائط کنونی جهان بسیاری از کشورها با تکثیر نفوس مبارزه میکنند و روی مشکلات اقتصادی از آ جلو گیری بعمل میآورند .

ولی باید توجه داشت اولاً جلو تکثیر نفوس را گرفتن کار صحیح و اصولی نیست بلکه باید سطح تولید را بالا برد و با طرحهای صحیح بجنگ مشکلات اقتصاد رفت ، ولذا این مطلب در کشورهای صنعتی و پیشرفته عملی نشده و گفتگوی آن بیشتر در کشورهای عقب افتاده است .

ثانیاً - این موضوع هر چه باشد جنبه استثنائی دارد و مخصوص موارد بحرانی است و الا در شرائط عادی تکثیر نفوس یکی از شرائط پیروزی ملتها میباشد .

(۲) و (۳) روایت نبوی .

وی پناه و نجات آنها از برتگاه مخوف فساد و تباهی و خود فروشی بوده است .

۲- شخصی که دارای دو، و یا چند همسر است ، هیچگاه نه خود و نه همسران و فرزندان نشان ، روی آرامش خاطر را نخواهند دید بلکه حسادت نزاع و جدال ، تهمت و افتراء از لوازم لاینفک چنین خانواده هاست .

پاسخ : اینگونه مفاسد ، معلول عدم برقراری عدالت بین افراد خانواده است و گرنه ، هرگاه « عدالت » بین افراد خانواده برقرار گردد ، اینگونه مفاسد یا بطور کلی از بین می رود و اثری از آن در خانواده ها مشاهده نمیشود و یا تا حد ممکن کاهش مییابد و در عین حال اگر عوارض نامطلوب تعدد زوجات را با مفاسد ممنوعیت آن مقایسه کنیم ، مفاسد ممنوعیت ، فوق العاده تر خواهد بود .

۳- تعدد زوجات مخالف با فطرت زن است !

پاسخ : هرگاه چنین بود ، نمی بایست زنان ، خود را رضی کنند با مردانیکه زن دیگری دارند ازدواج کنند و حال آنکه بسیاری از این نوع ازدواجها با علم و رضایت همسران تازه یا پیشنهاد ابتدائی آنها صورت میگیرد .

* * *

دانشمندان منصف غرب ، چگونه قضاوت میکنند ؟

گرچه بسیاری از نویسندگان غربی در اثر تعلیمات غلطی که کلیسا در باره تحریم قانون تعدد زوجات با آنها داده ، بیرحمانه قانون مزبور را مورد حمله قرار داده و بگمان خود از این راه اسلام را کوبیده اند ولی در عین حال در گوشه و کنار دانشمندان با انصافی نیز پیدا میشوند که برده اوها را دریده برخلاف تعلیم های غلط و تبلیغات گمراه کننده کلیسا رسماً قانون مزبور را پسندیده بلکه آنرا از نقاط قوت قانون اسلام بشمار آورده اند .

از آنجمله دکتر گوستاو لوبون فرانسوی است ، وی در کتاب « تمدن اسلام و عرب » ضمن بیان شخصیت زن شرقی و اسلامی مینویسد :

« در اروپا هیچیک از رسوم مشرق ، بقدر تعدد زوجات ، بدمعرفی نشده و در باره هیچ رسمیه هم اینقدر نظر اروپا بخطا نرفته است ، راستی من متحیرم و نمیدانم که تعدد زوجات مشروع مشرق از تعدد زوجات سالوسانه اهل مغرب چه کمی دارد و چرا کمتر است بلکه من میگویم اولی (تعدد زوجات مشروع اسلامی) از هر جهت بهتر و شایسته تر از دومی است . (۱) »